

وشرح کارالدین عبدالرزاق که اشقی پیش ازین مکتوب شد آن غیر ازین مکتوب بود
علم درسا (الغایه مکتوب است که در پیش در مجلس شیخ زکریا الدین علامه الفقه برسد که
شیخ محی الدین العربی که در وجود مطلق گفته در قیامت بان معاف باشد یا نه و بود که
مرا این نوع سخن را قطعی نخواهم که بر زبان عالم کاشکی ایشان نیز نگفتند و چنان
مشکل گفتن و عبادت تا چون گفته شد با جانتا و بلی با بیکر تا در وی نشان لا
در باطن نهفته و نیز در حقیر که این اعراض نشود من می باور که محی الدین العربی این
سخن آن خوانسته که حدیث را در کثرت ثابت کند و وجود مطلق گفته است تا معجزان
پس آن توان کرد که معراج دوست بیکر که کان الله لم یکر معنی شی و در واقع این
آسانست و دریم که آن کان و شرح این مشکل تر است و خوانسته که
ثابت کند که کثرت مخلوقات در حدیث حق هیچ زیاده نکند و وجود مطلق در خط و
افتاده است چون بیک شق و بدین معنی است که او است وی را خوش آمده و شود که
که نقصان لازمی بد عالم با نه چون تضاد وی اثبات و جلا بیهوده باشد چنانکه
ان وی عموماً در همه حرکت از اهل فیه لاجنها دی کرده باشد در کمال حق که خطا
بند بیک من چون سردا و کالین بوده است از اهل فیه خواهد بود و صبیبا از اهل فیه
و نوبی لیه الجمعه الثانیه و العشرین من شهر ربیع الاول سنه ثمان و ثمان و ستاد
بد مشق و جالی آن موضع بصالحیه مشهور است محمد بن اسحاق القویونی
قدس الله تعالی سوره کتب وی اهل المعالیه است جامع بوده است معانی

و وفات وی در شعبه نوره ۲۲ ماه ربیع
الآخر در سال شمس و بیستم در وقت
و روزی که شد در برون و مشق در آن
کوه قاسمیه که بصالحیه مشهور است

علوم حقه ظاهری و باطنی و چه عقیده و چه شقیه میان وی و خیر آنرا است و اجزای
واقع است و مولانا قطب الدین علامه شیرازی در حدیث شاکره و بیست کتاب جامع
الاصول را بخط خود نوشته و بر وی خوانده و بدلا از آنجا می کرده و این نظایر به شیخ
مولانا الدین حیدری و مولانا شمس الدین و شیخ فخر الدین عراقی و شیخ سعد الدین قزاق
و غیر ایشان از آنکه بر در حجر تربیت ایشان زبده تدویر صحبت وی پرورش یافته اند
شیخ بزرگ در آن وقت که از بلاد مغرب متوجه روم بود در بعضی مشاهد خود نوشت
ولادت وی و استعداد و علوم و تجلیات و احوال و مقامات وی هر چه در مدت
عمر و بعد از مفارقت دیدن شیخ و بعد از آن خبر وی گذشت و خواهد که گفت
مکاشف شهادت و ولاده الاکابرین و مشاهد هجره و مقامات هجره و تجلیات هجره و آثار
غدا لله و حلیه کمال و احوال هجره و اخلاص هجره و کمال تجلیات هجره و علم
الآخر اعمار هجره و بعد از مفارقت فرزند هجره و ما بعد از هجره و تقویه رسید بعد
ولادت وی و وفات پدرش و مادرش بعد از کمال شیخ در آمد وی در خدمت شیخ
تربیت یافت و وی فقار کلام شیخ است مقصود شیخ در مسئله و حدیث و وجود بر حقی
که مطابق عقل و شرح باشد در تسبیح و تحقیقات وی فهم آن کاتبی میسر نمی شود
و وی در صفت هجرت چون تصبیح فایحه و فتوح الغیب و مخصوص و تکلیف و شرح حدیثی بسیار
انوار ذات قدسیه خود را در آنجا ذکر کرده است و هر کس که میخواهد که در کمال وی بین
طریق فی الجمله اطلاع با بدگوار مطالعه کن کبلی از احوال و آثار وی و مکتوباتش تا آنجا

کتابت که در اول آن زمان که شیخ در روم بود در آن
وی فایده آنکه در حدیث ولادت حضرت زکریا علیه السلام
طینت ایشان از آنکه بولادت زکریا علیه السلام
آدمه از آنکه در آن کتابت از آنکه در آن کتابت
جمع کتابت از آنکه در آن کتابت از آنکه در آن کتابت
و شامه از آنکه در آن کتابت از آنکه در آن کتابت
شخصی بلایب استعدا به از آنکه در آن کتابت
از آنکه در آن کتابت از آنکه در آن کتابت از آنکه در آن کتابت
از آنکه در آن کتابت از آنکه در آن کتابت از آنکه در آن کتابت
از آنکه در آن کتابت از آنکه در آن کتابت از آنکه در آن کتابت
از آنکه در آن کتابت از آنکه در آن کتابت از آنکه در آن کتابت